

Economic Status and Social Exclusion: Case Study of Teachers in Zahedan

Mohammad Osman Hosseinbor *

Associate Professor of Sociology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Marziyeh Amirian

Master student of sociology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between economic status and social exclusion among teachers in Zahedan. The research was conducted by survey method and using an online questionnaire in May and June 2021. The statistical population includes all teachers of Zahedan city in all three grades: primary, first and second secondary. The sample size was estimated to be 359 using the Cochran's formula. The sampling method is a combination of stratified random sampling methods and cluster sampling. The results show that the feeling of social exclusion among teachers is moderate. In terms of economic status, the majority of teachers are homeowners, are in middle economic class, have moderate monthly household expenses, their sense of poverty is high and their level of satisfaction with the country's economic situation is very low. All variables of economic status have a significant relationship with the feeling of social exclusion, in which the relationship between economic class and feelings of social exclusion is inverted. There are also significant relationships between contextual characteristics (gender, age, level of education, ethnicity and religion), job characteristics (employment status, teaching level and work experience) and feelings of social discrimination and feelings of social exclusion. The results of linear multivariate regression analysis show that the model composed of variables of economic status, feeling of social discrimination, monthly household expenses, feeling of poverty and gender at a very significant level explain 43% of changes in teachers' feeling of social exclusion in Zahedan. The beta coefficients of these variables are: -0.284, 0.240, 0.211, 0.196 and 0.188, respectively. Therefore, the economic base variable has the largest share in explaining the changes in the feeling of social exclusion of teachers.


Keywords: Social Exclusion, Economic Status, Teachers, Education, Zahedan, Sistan and Baluchestan.


* Corresponding Author: mohb@lihu.usb.ac.ir

How to Cite: Hosseinbor, M. O; Marziyeh Amirian, M. (2023). Economic Status and Social Exclusion: Case Study of Teachers in Zahedan, *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 15(54), 37-73.

وضعیت اقتصادی و طرد اجتماعی

مورد مطالعه: معلمان شهر زاهدان

محمد عثمان حسین بر*  دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

مرضیه امیریان  دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان ایران.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین وضعیت اقتصادی و طرد اجتماعی در معلمان شهر زاهدان است. پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه آنلاین در اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۰ انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه معلمان شهر زاهدان در هر سه مقطع ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۵۹ نفر برآورد شد. شیوه نمونه‌گیری، ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و خوشه‌ای بود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد احساس طرد اجتماعی در بین معلمان در حد متوسط است. از نظر وضعیت اقتصادی اکثریت معلمان صاحب‌خانه هستند، پایگاه اقتصادی و هزینه‌های ماهیانه خانوار متوسطی دارند، احساس فقر آنها زیاد و میزان رضایتشان از وضعیت اقتصادی کشور خیلی کم می‌باشد. همه متغیرهای وضعیت اقتصادی با احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری دارند که در این میان رابطه پایگاه اقتصادی معکوس می‌باشد. همچنین بین ویژگی‌های زمینه‌ای (جنسیت، سن، میزان تحصیلات، قومیت و مذهب)، ویژگی‌های شغلی (وضعیت استخدامی، مقطع تدریس و سابقه کار) و احساس تبعیض اجتماعی با احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره خطی نشان می‌دهد که مدل مرکب از متغیرهای پایگاه اقتصادی، احساس تبعیض اجتماعی، هزینه‌های ماهیانه خانوار، احساس فقر و جنسیت در سطح بسیار معناداری به میزان ۴۳ درصد از تغییرات احساس طرد اجتماعی معلمان در زاهدان را تبیین می‌کنند. ضرایب بتای این متغیرها به ترتیب عبارت‌اند از: ۰/۲۸۴-، ۰/۲۴۰، ۰/۲۱۱، ۰/۱۹۶ و ۰/۱۸۸. بنابراین متغیر پایگاه اقتصادی بیشترین سهم را در تبیین تغییرات احساس طرد اجتماعی معلمان دارد.

واژه‌های کلیدی: طرد اجتماعی، وضعیت اقتصادی، معلمان، آموزش و پرورش، زاهدان، سیستان و بلوچستان.

مقدمه

موضوع اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین وضعیت اقتصادی و طرد اجتماعی در بین معلمان شهر زاهدان می‌باشد. طرد اجتماعی از جنبه‌های بسیار مهم نابرابری اجتماعی است و برای اولین بار توسط جامعه‌شناسان برای اشاره به منابع نوین نابرابری مطرح شد. این واژه توسط پژوهشگران اروپایی در ابتدا به‌عنوان جایگزینی برای مفهوم زیرطبقه (قرار داشتن در زیر طبقه پایین در طبقه‌بندی مرسوم جامعه) مورد استفاده قرار گرفت و بعدها با توجه به گستره آن ابعادی همانند طرد اقتصادی، طرد سیاسی و طرد اجتماعی برای آن در نظر گرفته شد. این امر بیانگر پیامدهای بسیار گسترده و متنوع طرد اجتماعی می‌باشد. این پیامدها را می‌توان در محرومیت یا عدم دسترسی مطروودین اجتماعی به بسیاری از جنبه‌های زندگی خلاصه نمود. به‌عبارت‌دیگر طرد اجتماعی موجب از بین رفتن یا کمرنگ شدن مشارکت اجتماعی شهروندان می‌شود (گیدنز^۱، ۱۳۹۹: ۶۶۹-۶۷۵). ایجاد چنین وضعیتی برای برخی قشرها همانند معلمان، با توجه به نقش حیاتی آنها برای جامعه می‌تواند پیامدها و عوارض بسیار نامطلوب و جبران‌ناپذیری ببار آورد.

با در نظر گرفتن نقش ویژه و مهم معلمان و مدارس در بهبود و توسعه کشورها، از طریق تربیت و تأمین نیروی انسانی متخصص و کارآمد، توجه به وضعیت کاری موجود بر محیط و شرایط و ویژگی‌های معلمان مهم و ضروری است. کیفیت زندگی کاری معلمان تأثیری مستقیم در روحیه و عملکرد آنها دارد؛ و بی‌توجهی به مسائل معیشتی آنان و نداشتن درآمد کافی نیز می‌تواند تأثیر مستقیمی بر روحیه این قشر داشته باشد که اگر به آن توجه نشود و مشکلات و مسائل آنها رفع نشود، باعث به وجود آمدن احساس بی‌ارزشی و در نهایت طرد اجتماعی^۲ معلمان در محیط کار و جامعه خواهد شد. برای اینکه معلمان، نقش خود را بعنوان کسانی که رکن اصلی تعلیم و

1. Anthony Giddens
2. Social Exclusion

تربیت هستند به‌درستی ایفا کنند، باید از منزلت و موقعیت اجتماعی درخور و شایسته‌ای در جامعه برخوردار باشند. اگر باور عمومی بر این باشد که «بهترین‌ها، بهترین‌ها را می‌سازند» به‌تبع آن به منزلت معلمان بیشتر توجه می‌شود و تلاش و کوشش در جهت احیای منزلت اجتماعی این قشر اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند (نوبدی و برزگر، ۱۳۸۲).

واقعیت این است وضع معیشتی معلمان ایران رضایت‌بخش نیست بهترین شاهد این ادعا سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. در فصل دهم این سند، در بخش نقاط ضعف، تنگناها و مشکلات، اشاره شده است که به منزلت و معیشت معلمان توجه کافی نمی‌شود و در آنان انگیزه کافی برای خدمت وجود ندارد (سند برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸). این‌یک واقعیت است که بسیاری از معلمان در زیرخط فقر زندگی می‌کنند. بیشتر آن‌ها یا بیش از یک نوبت کار می‌کنند یا علاوه بر ساعات موظفشان، به تدریس در مدارس غیرانتفاعی و یا تدریس خصوصی مشغول می‌شوند تا بتوانند معیشت زندگی‌شان را تأمین کنند. علاوه بر آن بسیاری از معلمان هستند که به کارهایی مانند واسطه‌گری، فروشنده‌گری، حسابداری و مشاغل دیگری مانند این مشغول به کار هستند (رون، ۱۳۹۱).

عواملی گوناگونی موجب جدایی و کناره‌گیری افراد علی‌الخصوص معلمان از گروه و جامعه بزرگ‌تر و به بیان دقیق‌تر موجب طرد اجتماعی آن‌ها و بی‌میلی نسبت به رقابت- همکاری اجتماعی و حتی عدم مطالبه حقوق مدنی، اجتماعی و اقتصادی‌شان در جامعه شده است (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۴).

طرد اجتماعی عبارت است از محرومیتی طولانی‌مدت که به جدایی از جریان اصلی جامعه می‌انجامد؛ فرایندی که در نتیجه آن، افراد و گروه‌های اجتماعی معینی از اجتماع طردشده و به حاشیه رانده می‌شوند؛ اما این تعریف همچنان که هویدا است برای تشخیص آنچه اشخاص مطرود از آن طرد شده‌اند کافی نیست و باید به موضوعات و مسائل مربوط به آن نیز اشاره کرد. طرد اجتماعی هنگامی رخ می‌دهد که افراد یا

گروه‌های موجود در جامعه از مسائلی چون: بیکاری، تبعیض، درآمد پایین، مهارت‌های کم، بیماری، ازهم‌پاشیدگی خانوادگی و... رنج می‌برند. ریشه مفهوم طرد اجتماعی را می‌توان با اندیشه کارل مارکس^۱ و ماکس وبر^۲ پی گرفت (Burchardt, 2002: 2).

بنابراین طرد، محرومیتی چندوجهی است. مفهوم فقر، به کمبودهای اقتصادی تقلیل یافته است، درحالی‌که مفهوم طرد اجتماعی برای فهمیدن و سنجیدن رابطه افراد با حوزه‌های متفاوت جامعه به کار می‌رود. طرد بعنوان یک صورت‌بندی جامع‌تر، اشاره دارد به فرایند پویای ممانعت از ورود کامل یا جزئی، به هرگونه نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی که انسجام اجتماعی اشخاص را در جامعه تعیین می‌کند (کاشانی، ۱۳۹۴).

با توجه به وضعیت موجود و اعتراضات معلمان در نقاط مختلف کشور، می‌توان گفت در جامعه ما معلمان منزلتی پایین و یا متوسط رو به پایین دارند و از نظر وضعیت اقتصادی جزو گروه‌های پایین معیشتی و اقتصادی قرار می‌گیرند. این امر باعث می‌شود این گروه نتوانند آن‌طور که شایسته است جهت رفع نیازهای خود اقدام کنند و این خود موجب نارضایتی این قشر از شرایط موجود، عدم کارآمدی و بی‌میلی نسبت به حرفه خود و در نهایت احساس طرد اجتماعی و اقتصادی آنها در جامعه می‌شود. چنین وضعیتی با توجه به تجربه زیسته این محققان، در مناطقی همانند سیستان و بلوچستان و شهری همانند زاهدان که هم از نظر شاخص‌های اقتصادی در مراتب بسیار پایینی قرار دارند و هم از بابت حضور اقلیت‌های قومی و مذهبی دارای زمینه‌های مهم نابرابری اجتماعی و اقتصادی و طرد اجتماعی هستند، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

با توجه به مطالب یاد شده، پژوهش حاضر به بررسی ارتباط متغیرهای مربوط به وضعیت اقتصادی با احساس طرد اجتماعی در بین معلمان شهر زاهدان می‌پردازد. انتظار می‌رود که با انجام پذیرفتن این پژوهش و پژوهش‌های دیگری در این زمینه و شناخت

1. Karl Marx
2. Max weber

دقیق نسبت به جوانب مختلف این مسئله؛ شیوه‌ها و راهکارهای مؤثری از جانب مسئولان امر و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مربوطه جهت ایجاد شرایط اقتصادی و اجتماعی مطلوب برای بهره‌مندی از حقوق و مزایای مناسب و درخور شأن و منزلت این قشر زحمتکش بعنوان عنصر کلیدی آموزش و پرورش شناسایی و معرفی شوند و به طریقی از دل‌زدگی و احساس طرد اجتماعی و اقتصادی آنان جلوگیری شود. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که رابطه وضعیت اقتصادی و احساس طرد اجتماعی معلمان در شهر زاهدان چگونه است؟

پیشینه پژوهش

تحقیقات مشابه یا مرتبط داخلی و خارجی در جدول ۱ خلاصه شده‌اند:

جدول ۱- پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی

محققین	نام پژوهش	نوع پژوهش	نتایج
هاشمی و همکاران (۱۴۰۰)	تحلیل تجربه زیسته فقرای شهری از طرد اجتماعی از بازار کار، مورد مطالعه: مناطق ۱۷، ۱۸ و ۱۹ شهر تهران	کیفی: نظریه زمینه‌ای	در نتیجه مقوله هسته‌ای با عنوان طرد اجتماعی از بازار کار ظاهر گردید. یافته‌های تحقیق بر اساس مدل پارادایمی پژوهش در پنج محور (شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها) قرار گرفت. در این مقاله شرایط علی مقوله طرد از بازار کار مطرح می‌شود. شرایط علی بر اساس نظر مشارکت کنندگان شامل چهار مقوله اصلی با عنوان‌های ضعف سرمایه اقتصادی، ضعف سرمایه انسانی، شرایط نامساعد اقتصادی و شرایط نامساعد اشتغال است. بر اساس یافته‌ها بسیاری از فقرای شهری ساکن در مناطق مورد مطالعه پیشینه فقر روستایی داشتند که بارزترین وجه آن ضعف سرمایه‌های اقتصادی و انسانی است. همچنین شرایط اشتغال آنان در شهر بسیار متأثر از شرایط نامساعد اقتصادی (مانند: تحریم‌های اقتصادی، شیوع بیماری کرونا، مکانیزه شدن تولید و ارائه خدمات و حضور اتباع خارجی) و شرایط نامساعد اشتغال (مانند: آسیب‌پذیری جسمی، آسیب‌پذیری روانی، درآمد

محققین	نام پژوهش	نوع پژوهش	نتایج
			اندک، فقدان حمایت‌های اجتماعی و استثمار) بوده، به‌گونه‌ای که این شرایط منجر به تداوم فقر بین نسلی آنان شده است.
اعتمادی فرد و همکاران (۱۳۹۹)	بررسی جامعه‌شناختی کژکارکردهای سیاست‌های حمایتی با تأکید بر طرد اجتماعی	کیفی: نظریه زمینه‌ای	پس از سنخ‌شناسی سه‌گانه طرد اجتماعی و گونه‌های وابستگی متناظر با آن پدیده مرکزی مبتنی بر یافته‌های پژوهش تحت عنوان "وابستگی منفعلانه" بر ساخت شده است. مهم‌ترین علل اصلی این پدیده در چهار مقوله "طرد مزمن"، "جامعه‌پذیری وابسته پرور زنان"، "در جاماندگی سیستم حمایتی" و "کلیشه سازی زن سرپرست خانوار" شناخته شده‌اند. شرایط زمینه‌ای تحت عنوان "سیاسی شدن حمایت‌ها" و "شرایط فزاینده فراوانی زنان سرپرست خانوار" مقوله‌بندی شده‌اند. شرایط مداخله‌گر نیز تحت مقوله‌های "سوء مدیریت" و "نقص قوانین" بر ساخت شده‌اند. راهبردهای اصلی در سه مقوله "بازاندیشی سوداگرانه"، "ناتوان نمایی" و "طرد خودخواسته" مقوله‌بندی شده‌اند و پیامدهای این پدیده نیز در دو مقوله "مطالبه‌گری مستمر" و "اشتغال‌گری" صورت‌بندی شده‌اند. در این پژوهش مددجویانی که طرد مزمن و بین نسلی را تجربه کرده‌اند، ظرفیت بالایی برای وابستگی منفعلانه به حمایت‌ها- به‌عنوان اصلی‌ترین کژکارکرد سیاست‌های حمایتی- دارند و شایسته است در اتخاذ سیاست‌های حمایتی برای مطروودین مزمن متناسب با وضعیت طردشدگی آنان، نسبت به پیشگیری و کنترل وابسته شدن به حمایت‌ها و رسوب در سیستم حمایتی برای این افراد تمهیداتی اندیشیده شود.
آسکانی (۱۳۹۸)	احساس طرد اجتماعی شهروندان زاهدانی	پیمایش	احساس طرد اجتماعی شهروندان زاهدانی در حد متوسط رو به پایینی است و با متغیرهای انسداد اجتماعی، بی‌قدرتی اجتماعی و فقر قابلیت رابطه مستقیم و معناداری دارد.
احدیان و کسرابی (۱۳۹۷)	سنجش احساس طرد اجتماعی	پیمایش	رابطه معنادار و مستقیم میان احساس طرد اجتماعی و احساس تعلق قومی و همچنین احساس طرد اجتماعی و

محققین	نام پژوهش	نوع پژوهش	نتایج
	دانشجویان دانشگاه‌های زنجان		ارزیابی سیاست‌های دولتی توسط پاسخگویان وجود دارد.
سبکتکین ریزی و موسی زاده (۱۳۹۶)	بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین کیفیت زندگی و طرد اجتماعی (مورد مطالعه: ساکنان منطقه ۱۸ شهر تهران)	پیمایش	بیش از نیمی (۵۰/۷ درصد) از اجتماعات هدف از نظر میزان طرد اجتماعی در سطح بالا و (۴۰/۸ درصد) نیز در سطح متوسط قرار دارند. همچنین بین طرد اجتماعی و ابعاد کیفیت زندگی شامل مسکن، امکانات و خدمات شهری، حمل‌ونقل شهری، تفریحات و سرگرمی‌ها، امنیت و ایمنی و محیط‌زیست هم تغییری وجود دارد؛ بدین معنی که با کاهش میزان‌های طرد اجتماعی در منطقه، میزان رضایت‌مندی از ابعاد کیفیت زندگی افزایش می‌یابد.
مهدیان و همکاران (۱۳۹۶)	بازنمایی ادراک و تجربه زیسته معلمان از منزلت اجتماعی‌شان: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی	روش کیفی: مصاحبه نیمه ساختاریافته	شمار اندکی از معلمان به دلیل پررنگ بودن بعد معنوی حرفه معلمی، از منزلت اجتماعی‌شان راضی هستند، اما در اکثر موارد، معلمان به دلیل مخاطرات در چهار بعد سازمانی، اقتصادی، اجتماعی و شخصی از منزلت اجتماعی حرفه خود ناراضی هستند؛ مهم‌ترین بعد مورد نارضایتی بعد اقتصادی است که عدم حقوق و مزایای کافی و عدم اعتبار شغلی را در برمی‌گیرد.
حمیدیان و همکاران (۱۳۹۴)	بررسی رابطه ناابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی و طرد اجتماعی گروه‌ها در کلان‌شهر اصفهان	پیمایش	همه گروه‌ها دسترسی یکسانی به منابع ندارند و برخی گروه‌ها تبعیض اجتماعی بیشتر و طرد اجتماعی به‌مراتب شدیدتری را تجربه می‌کنند و بین برابری اجتماعی، دسترسی به منابع و ادغام اجتماعی رابطه مثبتی وجود دارد. با این اوصاف لازم است دولت و جامعه با حمایت‌های اقتصادی و آموزشی و فرهنگ‌سازی در راستای برابری اجتماعی، از طرد اجتماعی گروه‌های آسیب‌پذیر و ایجاد بی‌نظمی‌های اجتماعی و سیاسی ممانعت به عمل آورند.
جهانگیری و علمی (۱۳۹۴)	عوامل اجتماعی مرتبط با ارتقای منزلت اجتماعی معلمان مقطع متوسطه مسکین‌شهر	پیمایش	بین میزان حقوق و مزایای دریافتی معلمان، میزان دسترسی معلمان به امکانات رفاهی، میزان عضویت معلمان در تشکل‌های صنفی، میزان اعتماد اجتماعی شهروندان به معلمان، توجه رسانه‌ها به جایگاه معلم و افزایش مهارت‌های معلمان با ارتقای منزلت آنان رابطه معنی‌داری

محققین	نام پژوهش	نوع پژوهش	نتایج
	از دیدگاه خود معلمان		وجود دارد.
نوید ادهم و شفیع زاده (۱۳۹۳)	بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر منزلت اجتماعی معلمان	پیمایش	مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر منزلت اجتماعی معلمان شامل اصلاح نگرش جامعه به مصرف‌کننده بودن آموزش و پرورش، ارج نهادن به ارزش‌های حرفه معلمی در جامعه، قدردانی مادی و معنوی از معلمان، فراهم کردن زمینه مشارکت معلمان در فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی جامعه و اولویت دادن به تعلیم و تربیت در کنار موضوعات مهم و کلان کشوری می‌باشند.
رافلدر و کولاکو ^۱ (۲۰۲۲)	نقش تعلق اجتماعی و طردشدگی در مدرسه و رابطه معلم و دانش‌آموز در ایجاد درماندگی آموخته‌شده در نوجوانان	پیمایش طولی	درماندگی آموخته‌شده دانش‌آموزان هم تحت تأثیر وضعیت تعلق و طرد از مدرسه و هم رابطه معلم و دانش‌آموز، البته از مسیرهای متفاوتی، می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که محیط اجتماعی دانش‌آموزان، صرف‌نظر از رابطه آنها با معلمان بر درماندگی آموخته‌شده آنها تأثیرگذار است.
مالوی ^۲ و همکاران (۲۰۲۱)	عوامل مدرسه و معلم که واکنش تماشاگران نوجوان را به طرد اجتماعی ارتقا می‌دهد	پیمایش	نتایج، تأثیر متقابل پیچیده عوامل مدرسه و معلم را در شکل‌دهی به واکنش‌های تماشاگران نوجوان به طرد اجتماعی نشان می‌دهد. یافته‌های ما نشان می‌دهد که جو مثبت مدرسه می‌تواند قصد مداخله را افزایش دهد. با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهد که نوجوانانی که در محیط‌های مدرسه خود به حاشیه رانده شده‌اند و تجربه‌های طرد، طرد یا تبعیض را گزارش می‌کنند، مایل نیستند برای جلوگیری از تجربه طرد شدن دیگران مداخله کنند.
پادیال ^۳ (۲۰۱۸)	معلم زن بودن در نپال: تجربیات شمول و طرد	روش کیفی: مصاحبه	معلمان زن همیشه در وضعیت طرد و یا شمول اجتماعی نیستند. عوامل مختلفی در این زمینه دخالت دارند. حتی فرهنگ کاستی هم همیشه تعیین‌کننده این وضعیت نیست.

1. Raufelder and Kulakow
2. Mulvey
3. Paudyal

محققین	نام پژوهش	نوع پژوهش	نتایج
	اجتماعی		اگر زنان در موقعیت‌های دارای قدرت فعال باشند ایدئولوژی کاست می‌تواند کنار گذاشته می‌شود.
آبلو ^۱ و همکاران (۲۰۱۶)	طرد اجتماعی جوانان در اجتماعات استرالیایی	آمار موجود	خطر طرد اجتماعی جوانان بر مبنای شاخص‌های متعددی در مناطق مختلف استرالیا متفاوت است حتی بین مناطق محروم و خیلی محروم. به طوری که امکان طرد اجتماعی در مناطق خیلی محروم بر مبنای برخی شاخص‌ها پنج تا شش برابر میانگین خطر طرد اجتماعی در استرالیا است.
پاولینی ^۲ و همکاران (۲۰۱۳)	طرد اجتماعی جوانان و درس‌هایی از اشتغال جوانان	مطالعه کتابخانه‌ای و آمار موجود	یک‌سوم جوانان اتحادیه اروپا در خطر طردشدگی قرار دارند و تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی به‌ویژه در حیطه‌های آموزشی، مهارت‌آموزی و اشتغال از عوامل تعیین‌کننده طرد اجتماعی هستند. اشتغال جوانان نقش بسیار مهمی در رفع طرد اجتماعی آنها دارد.
لویتاس ^۳ (۲۰۰۶)	مفهوم و سنجش طرد اجتماعی	پیمایش	فقر بر برخی از جنبه‌های مشارکت اجتماعی تأثیرگذار است نه بر تمام جوانب آن؛ و وجود ارتباط متقابل بین کار دستمزدی و افزایش مشارکت اجتماعی، حاکی از آن است که کار دستمزدی ممکن است در مواردی محدودکننده طرد اجتماعی باشد.
لادبو ^۴ (۲۰۰۵)	نگرش‌های مرتبط با کار و تمایل به شغل معلمی	پیمایش	نتایج حاکی از ارتباط معنادار میان متغیرهای جنس، شرایط کار و امکان ارتقا و پیشرفت با رضایت شغلی است. علاوه بر آن متغیرهای سن، جنس، میزان تحصیلات و حقوق و مزایا، با تمایل به ماندن رابطه معناداری ندارند، اما میان متغیر شرایط کار، بی‌علاقگی شغلی و امکان ارتقا و پیشرفت و رضایت شغلی با تمایل به ماندن رابطه معناداری مشاهده می‌شود.

با تأمل در مورد پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان گفت که اکثر این پژوهش‌ها به موضوع طرد اجتماعی گروه‌های مختلف همانند فقرا، زنان، جوانان و دانش‌آموزان

1. Annie Abello
2. Julia Paulini
3. Ruth Levitias
4. Ladebo

پرداخته و کمتر طرد اجتماعی معلمان را بررسی کرده‌اند. تحقیقات مربوط به معلمان، بیشتر به منزلت اجتماعی آنها و شناسایی عواملی که موجب کاهش منزلت اجتماعی شده‌اند مربوط می‌شوند و خلأ مطالعاتی و تحقیقاتی بسیار محسوسی در مورد طرد اجتماعی معلمان و شناسایی عوامل مؤثر بر آن وجود دارد.

همچنین می‌توان گفت که تحقیقات اندکی که انجام می‌شود، بیشتر آنها با تمرکز بر پایتخت کشورمان و چند شهر محدود انجام می‌شود و در سایر شهرها از جمله شهرهایی مثل زاهدان که مسائل و مشکلات خاص خود را دارند، از خلأ مطالعاتی و تحقیقاتی رنج می‌برند. بنابراین نوآوری این پژوهش، به بررسی طرد اجتماعی معلمان، در منطقه‌ای با وضعیت اقتصادی نامطلوب و دارای نابرابری‌های اجتماعی مختلف، بویژه نابرابری‌های قومی و مذهبی و همچنین بررسی ارتباط عوامل اقتصادی به‌عنوان نزدیک‌ترین عوامل به طرد اجتماعی مربوط می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

در اکثریت نظریات موجود، طرد اجتماعی مرتبط با وضعیت اقتصادی است. از دیدگاه آمارتیا سن^۱ طرد اجتماعی به‌طور عمده به فقر چندوجهی برمی‌گردد (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۷۵). هیلاری سیلور^۲، طرد را به دو صورت کلان و خرد تقسیم‌بندی می‌کند. طرد در سطح کلان در واقع جایی است که صحبت از ظرفیت ساختاری عضویت اجتماعی مطرح باشد که در این سطح، گروه‌ها و اشخاص مطرود اجتماعی همانند گروه‌های اقلیت قومی و مذهبی و طبقات پایین، دچار عدم توانایی یا فقدان دسترسی به فرصت‌های ساختاری می‌شوند و طرد در سطح خرد که موجب قطع پیوندهای اجتماعی‌ای می‌شود که افراد را به هم متصل می‌سازد (Silver, 2007: 3-18).

1. Amartya Sen
2. Hilary Silver

طرد اجتماعی هنگامی اتفاق می‌افتد که افراد یا مکان‌های خاصی از مجموعه‌ای از مسائل همچون بیکاری، تبعیض، مهارت‌های ضعیف، درآمد پایین، آسیب‌های بالا و سلامتی شکننده و خانواده‌های آشفته رنج می‌برند. طرد اجتماعی نتیجه و پیامد وضعیت و مسائلی است که فرد یا گروه خاصی در زندگی با آن روبرو می‌شوند (Morris et al, 2009: 5). طرد اجتماعی، فقدان قدرت مشارکت در جامعه به‌مثابه شهروند است که دارای حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و مدنی اندکی هستند و نظام سیاسی و اجتماعی از آن حمایت نمی‌کند. اصطلاح طرد اجتماعی به‌طور ذاتی مسئله‌ساز است و معنای ابتدایی تقسیم در جامعه به‌مثابه یک اکثریت دربرگیرنده و یک اقلیت طردشده را بازنمایی می‌کند (Abrams et al, 2007). گیدنز معتقد است که طرد اجتماعی در مورد درجه‌بندی نابرابری نیست بلکه به مکانیزم‌هایی برمی‌گردد که برای جداسازی گروه‌هایی از مردم از جریان اصلی جامعه بکار می‌روند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۲۲۸).

از نظر آمارتیا سن، طرد اجتماعی محرومیت از قابلیت‌ها، ناتوانی در مشارکت و یا ناتوانی عملکردی است (محمودی و صمیمی فر، ۱۳۸۴، غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴، ابراهیمی، ۱۳۹۱). سن در اثری تحت عنوان طرد اجتماعی: مفهوم کاربرد و موشکافی دیدگاهش را در چارچوب مباحث رابطه‌ای طرد اجتماعی بسط داد. وی در صورت‌بندی جدید خود ابراز داشت که نگاه به فقر به‌عنوان محرومیت قابلیت، چندبعدی است زیرا شامل تمام قابلیت‌ها و عملکردهای متمایزی می‌شود که ما برای آن ارزش قائلیم و یکی از این قابلیت‌های ارزشمند، طرد نشدن از روابط و فرصت‌های اجتماعی است. لذا طرد اجتماعی بخشی از فقر قابلیت و مؤلفه ذاتی و «اساسی» ایده فقر است، بدین معنا که ناتوانی در ایجاد ارتباط با دیگران و عدم مشارکت در زندگی اجتماعی، صرف‌نظر از هر محرومیتی که غیرمستقیم می‌تواند ایجاد کند، زندگی را فقیر و تهی می‌سازد (آسکانی، ۱۳۹۸: ۲۲).

بر مبنای نظریه کارل مارکس، آنچه را در فرایند مالکیت ابزار تولید و شکل‌گیری طبقه مسلط رخ می‌دهد می‌توان طرد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طبقه تحت

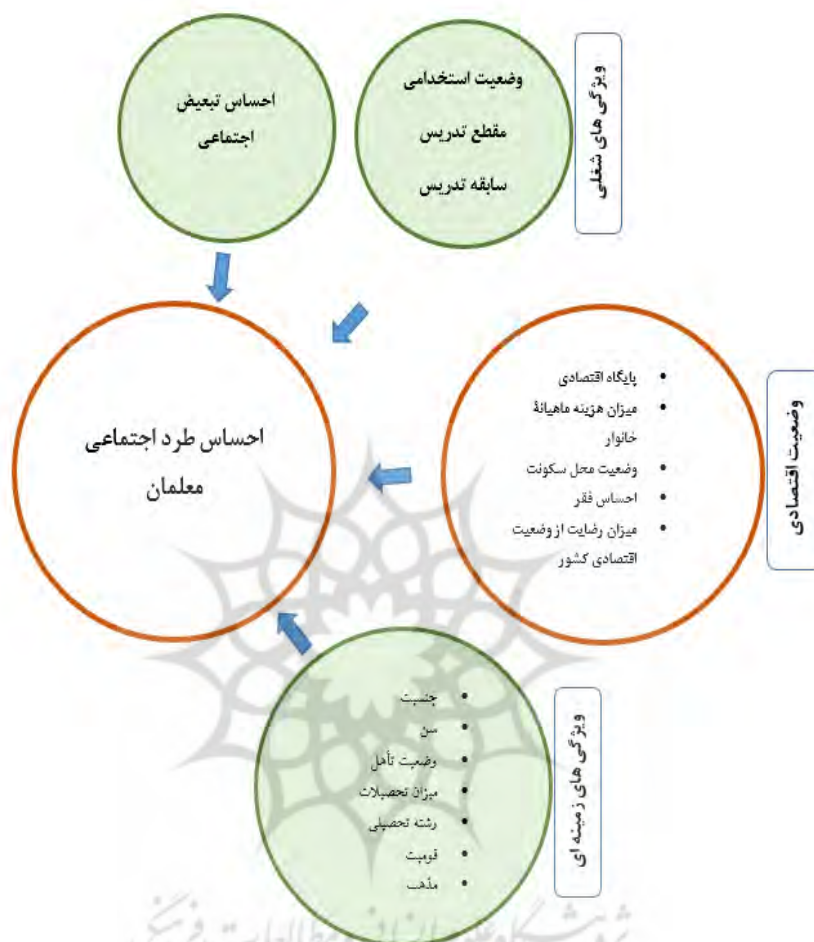
سلطه دانست. بنابراین رابطه دوطبقه مسلط و تحت سلطه با ابزار تولید و به‌عبارت‌دیگر ویژگی‌های اقتصادی آنها هم بیانگر نقش طرد‌کننده طبقه مسلط و هم بیانگر نقش طردشده طبقه تحت سلطه می‌باشد. فرانک پارکین مالکیت دارایی یا ابزار تولید، به‌عنوان شالوده اصلی ساخت طبقاتی، را یکی از اشکال مهم حصر اجتماعی می‌داند که با به انحصار درآمدن توسط یک گروه اقلیت باعث طرد اجتماعی گروه‌های دیگر شود. به‌زعم پارکین اکثر ویژگی‌هایی را که وبر مرتبط با پایگاه می‌داند، ویژگی‌هایی چون ثروت، زبان، خاستگاه قومی، مذهب و ... می‌توانند مبنایی برای کنترل منابع توسط یک گروه و طرد گروه‌های دیگر شوند. اقلیت‌های قومی و کسانی که از لحاظ پایگاهی در مراتب ضعیف و فاقد قدرت قرار دارند، بیشتر در معرض آسیب‌پذیری و طرد هستند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۲۲۸).

به‌زعم گالابوزی^۱ (۲۰۰۲) طرد اجتماعی با ناتوانی گروه‌ها یا افرادی خاص برای مشارکت کامل اجتماعی مرتبط است که به دلیل نابرابری‌های ساختاری، دسترسی آنها به منابع ارزشمند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کاهش پیدا کرده است. این نابرابری‌ها در ارتباط با طبقه، نژاد، جنسیت، ناتوانی، مهاجرت، مذهب و قومیت ایجاد می‌شوند. روث لویتاس^۲ در تقسیم‌بندی که از طرد انجام داده است، سه مورد را از هم تفکیک می‌کند: طرد از منابع: شامل منابع اقتصادی/مادی، دسترسی به خدمات عمومی و خصوصی و دسترسی به منابع اجتماعی؛ طرد از مشارکت: شامل مشارکت اقتصادی، مشارکت اجتماعی، مشارکت فرهنگی، کسب تحصیلات و مهارت‌ها، مشارکت مدنی و سیاسی و طرد از کیفیت زندگی: شامل برخورداری از سلامتی و بهزیستی، داشتن محیط‌زیست سالم، دوری از جرم، آسیب‌های اجتماعی و جنایتکاری است (Levitas, 2006: 123-160). تقسیم‌بندی لویتاس از انواع طرد را می‌توان در ارتباط با پایگاه و قومیت اشخاص ارزیابی نمود؛ بدین طریق که طرد از منابع و مشارکت اقتصادی،

1. Galabuzi
2. Ruth Levitas

اجتماعی، فرهنگی و...؛ که قاعدتاً طرد از کیفیت زندگی را به همراه دارند، همپوشانی بسیاری با فاکتورهای شناسایی قومیت و خصوصاً پایگاه اجتماعی دارند. از مجموع رویکردها و نظریات مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که طرد اجتماعی، جریان و فرآیندی چندبعدی است و تحت تأثیر عوامل مختلفی می‌باشد. البته در میان این عوامل، ویژگی‌ها و وضعیت اقتصادی نقش پررنگ‌تری ایفا می‌نمایند. بر اساس نظریه سن می‌توان به تأثیر فقر قابلیت بر طرد اجتماعی دست پیدا کرد. فقر قابلیت را می‌توان احساس فقری دانست که به‌عنوان بخشی از کمبودها و مشکلات روزمره درآمده است. بر اساس نظریه گلابوزی می‌توان به تأثیر متغیرهای همانند طبقه، نژاد، جنسیت، مذهب، قومیت و تبعیض اجتماعی بر طرد اجتماعی دست پیدا کرد. در واقع هنگامی که جنسیت، نژاد، مذهب و قومیت مبنایی برای تبعیض قرار گیرند می‌توانند باعث طرد اجتماعی شوند.

طبق نظرات پارکین می‌توان به نقش سرمایه اقتصادی و پایگاه اقتصادی بر طرد اجتماعی پی برد. با توجه به نظریه‌ها و تحقیقات قبلی موردبررسی و همچنین استدلال‌ات منطقی می‌توان عواملی همانند ویژگی‌های زمینه‌ای (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، قومیت و مذهب)، ویژگی‌های شغلی (وضعیت استخدامی، مقطع تدریس و سابقه تدریس)، وضعیت اقتصادی (وضعیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی، میزان هزینه ماهیانه خانوار متناظر با سرمایه اقتصادی، احساس فقر و رضایت از وضعیت اقتصادی کشور) و احساس تبعیض اجتماعی را با طرد اجتماعی معلمان مرتبط دانست. احساس تبعیض اجتماعی از آنجا که عمدتاً با محرومیت اقتصادی مبتنی بر عضویت گروهی همراه است در کنار متغیرهای اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین مدل نظری تحقیق را می‌توان به صورت شکل ۱ نشان داد:



شکل ۱- مدل نظری تحقیق

با توجه به چارچوب و مدل نظری، فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:

- بین ویژگی‌های زمینه‌ای (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، قومیت و مذهب) معلمان در شهر زاهدان و احساس طرد اجتماعی آنها رابطه وجود دارد.

- بین ویژگی‌های شغلی (وضعیت استخدامی، مقطع تدریس و سابقه تدریس) معلمان در شهر زاهدان و احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای وضعیت اقتصادی (وضعیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی، میزان هزینه ماهیانه خانوار، احساس فقر و رضایت از وضعیت اقتصادی کشور) معلمان در شهر زاهدان و احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین احساس تبعیض اجتماعی معلمان در شهر زاهدان و احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

نوع تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که به روش پیمایش مقطعی انجام گردید. جامعه آماری را در این پژوهش تمامی معلمان (زن و مرد) مقاطع ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم در نواحی یک و دو آموزش و پرورش زاهدان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ است که تعداد تقریبی آن‌ها بر مبنای آمار اداره کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان ۵۰۰۰ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۵۷ نفر برآورد گردید که با توجه به مشارکت اضافی، این حجم به ۳۵۹ نفر رسید. شیوه نمونه‌گیری، ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (برحسب سطح اقتصادی اجتماعی مناطق زاهدان، مقطع مدارس و جنسیت آنها) و خوشه‌ای (مدارس) بود. به طوری که بر مبنای سطوح سه‌گانه پایین، متوسط و بالای مناطق زاهدان از نظر اقتصادی اجتماعی، مقاطع سه‌گانه مدارس بر مبنای ابتدایی، متوسطه اول و دوم و جنسیت دانش آموزان مدارس یعنی دخترانه یا پسرانه بودن آنها ۱۸ محدوده تعیین و سپس در هر محدوده سه مدرسه یا خوشه به صورت تصادفی بر مبنای اولویت اول تا سوم انتخاب شد (جدول ۲). بعدازآن در هر کدام از این محدوده‌ها ۲۰ معلم (در چند مورد یک نفر کمتر یا بیشتر شده‌اند) با اولویت از مدارس اول تا سوم و بر مبنای اعلام آمادگی آنها مشخص شدند و بعد از هماهنگی لازم در اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۰ با

توجه به محدودیت‌های شیوع کرونا، لینک پرسشنامه آنلاین در گوگل در اختیار آنها قرار گرفت.

پرسشنامه مورد استفاده ترکیبی از پرسشنامه‌های مورد استفاده محققین دیگر و پرسشنامه محقق ساخته بوده است. برای سنجش احساس طرد اجتماعی بر مبنای طیف لیکرت از شاخص‌های احساس فقر، احساس محرومیت، احساس تنهایی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و مدنی، رضایت از زندگی، رضایت از کار، امیدواری نسبت به آینده (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۴۴-۳۹) استفاده شد.

همچنین برای سنجش احساس فقر از شاخص‌هایی در مورد مشکلات روزمره در تأمین هزینه‌های آب، برق، گاز، تلفن، رفت‌وآمد داخل شهر، خدمات پزشکی و دارویی و اینترنت و برای سنجش احساس تبعیض اجتماعی از شاخص‌هایی در مورد میزان توجه به معلمان، میزان حقوق آنها، منزلت اجتماعی آنها، نابرابری‌های قدرت و ثروت بین شهروندان و ارتقای فردی و اجتماعی و کسب مقام‌ها توسط آنان استفاده شد. اعتبار سازه‌ها یا مجموع گویه‌های مربوط به سنجش متغیرهای اصلی تحقیق، به روش صوری و با استفاده از نظرات ۳ نفر از اساتید و محققین (تأیید کلی سازه‌ها توسط هر سه نفر) مشخص شد و پایایی یا قابلیت اعتماد آنها نیز بعد از یک آزمون اولیه بر روی ۳۰ نفر از معلمان، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت.

جدول ۲- ویژگی‌های مدارس و حجم نمونه تحقیق

شماره محدودده	مقطع	جنسیت	سطح اقتصادی اجتماعی محله	نام مدارس (با اولویت اول تا سوم در هر محدودده)	تعداد نمونه
۱	ابتدایی	پسرانه	پایین	شهیدان آبیز، شهید قلنبر، درودی ۱	۲۰
۲	ابتدایی	پسرانه	متوسط	سید محمد طالقانی ۱، شهید همت ۲، قائم	۲۰
۳	ابتدایی	پسرانه	بالا	حضرت مهدی، ۲۹ فروردین، شهدای لشکر ۲	۲۰

۴	ابتدایی	دخترانه	پایین	ایران، صدیقه کبری، شهید آسوده ۱	۲۰
۵	ابتدایی	دخترانه	متوسط	ایثار ۱، شهید همت ۱، رسالت ب	۲۱
۶	ابتدایی	دخترانه	بالا	شهدای لشکر ۱، ۱۳ آبان ۱، حدیث	۲۰
۷	متوسطه اول	پسرانه	پایین	شهید مدنی، هاشمی رفسنجانی، یعقوب لیث ۱	۱۹
۸	متوسطه اول	پسرانه	متوسط	شهدای هفت تیر، امام حسین، رزمجو مقدم ۱	۱۹
۹	متوسطه اول	پسرانه	بالا	باقرالعلوم، شهید بهشتی ۲، حضرت مهدی	۱۹
۱۰	متوسطه اول	دخترانه	پایین	متانت، برازنده، طویی	۲۰
۱۱	متوسطه اول	دخترانه	متوسط	بهاره، هدایت، ۲۲ بهمن	۲۰
۱۲	متوسطه اول	دخترانه	بالا	ام‌البنین، فرهنگیان، راهیان نور شاهد	۱۹
۱۳	متوسطه دوم	پسرانه	پایین	ابوریحان بیرونی، امام جواد، هنرستان محسن خزاعی	۲۰
۱۴	متوسطه دوم	پسرانه	متوسط	هنرستان امام علی، امام خمینی، بزرگسالان یادگار امام	۲۰
۱۵	متوسطه دوم	پسرانه	بالا	شهدای فرهنگی، نمونه ولیعصر، نمونه حضرت مهدی	۲۰
۱۶	متوسطه دوم	دخترانه	پایین	حکمت، هنرستان مطهره، سیرجانی	۲۱
۱۷	متوسطه دوم	دخترانه	متوسط	قدسیه، قدس، هنرستان فاطمه الزهرا	۲۱
۱۸	متوسطه دوم	دخترانه	بالا	فرزانگان، نمونه بصیرت، سیمای فرهنگیان	۲۰

نتایج آلفای کرونباخ نشان داد که میزان پایایی همه سازه‌ها بالای ۰/۷۰ بوده است.

این نتایج در جدول ۳ آمده‌اند:

جدول ۳- نتایج ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای چندگویه‌ای پژوهش

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
احساس فقر	۰.۷۸
احساس طرد اجتماعی	۰.۸۹
احساس تبعیض اجتماعی	۰.۸۶

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

متغیرهای زمینه‌ای در جدول ۳ توصیف شده‌اند:

جدول ۴- توصیف ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد	شاخص‌های مهم آماری
جنسیت	مرد	۱۱۶	۳۲.۳	نما: زن
	زن	۲۴۳	۶۷.۷	
سن	کمتر از ۲۵ سال	۱۰	۲.۸	نما: ۴۲ میانه: ۴۰ میانگین: ۳۹.۸۴ انحراف معیار: ۶.۷۱
	۲۶ - ۳۰	۲۳	۶.۴	
	۳۱ - ۳۵	۶۹	۱۹.۲	
	۳۶ - ۴۰	۸۲	۲۲.۸	
	۴۱ - ۴۵	۱۱۰	۳۰.۶	
	۴۶ - ۵۰	۴۷	۱۳.۱	
	۵۱ - ۵۵	۱۴	۳.۹	
	بالاتر از ۵۵	۴	۱.۲	
وضعیت تأهل	مجرد	۳۷	۱۰.۳	نما: متأهل
	متأهل	۳۲۲	۸۹.۷	
میزان تحصیلات	کاردانی	۲۴	۶.۷	نما: کارشناسی

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد	شاخص‌های مهم آماری
	کارشناسی	۲۰۹	۵۸.۲	میان: کارشناسی
	کارشناسی ارشد	۱۱۰	۳۰.۶	
	دکتری	۱۶	۴.۵	
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۱۶۳	۴۵.۴	نما: علوم انسانی
	علوم پایه	۱۰۷	۲۹.۸	
	فنی و مهندسی	۳۱	۸.۶	
	سایر	۵۸	۱۶.۲	
قومیت	بلوچ	۷۶	۲۱.۲	نما: سیستانی
	سیستانی	۲۳۳	۶۴.۹	
	سایر	۵۰	۱۴.۰	
مذهب	سنی	۷۶	۲۱.۲	نما: شیعه
	شیعه	۲۸۳	۷۸.۸	

جدول ۴ نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان از نظر جنسیت، زن، از نظر سن، ۳۱ تا ۴۵ ساله و میانگین سنی ۳۹/۸۴ سال، از نظر وضعیت تأهل، متأهل، از نظر میزان تحصیلات، دارای تحصیلات کارشناسی، از نظر رشته تحصیلی دانش‌آموخته رشته‌های علوم انسانی، از نظر قومیت، سیستانی و از نظر مذهب، شیعه هستند.

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۵- توصیف ویژگی‌های شغلی پاسخگویان

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد	شاخص‌های مهم آماری
وضعیت استخدامی	رسمی	۳۰۹	۸۶.۱	نما: رسمی
	پیمانی	۴۲	۱۱.۷	
	سایر	۸	۲.۲	
مقطع تدریس	ابتدایی	۱۲۱	۳۳.۷	نما: متأهل
	متوسطه اول	۱۱۶	۳۲.۳	
	متوسطه دوم	۱۲۲	۳۴.۰	
سابقه کار	کمتر از ۵ سال	۲۷	۷.۵	نما: ۱۵
	۶ - ۱۰	۳۶	۱۰.۰	میان: ۱۷
	۱۱ - ۱۵	۹۱	۲۵.۳	میانگین: ۱۷.۷۷
	۱۶ - ۲۰	۸۸	۲۴.۵	انحراف معیار: ۷.۷۷
	۲۱ - ۲۵	۳۶	۱۰.۰	
	۲۶ - ۳۰	۷۳	۲۰.۳	
	بالاتر از ۳۰	۸	۲.۴	

جدول ۵ نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان از نظر وضعیت استخدامی، رسمی، از نظر مقطع تدریس، با تفاوت ناچیزی با سایر مقاطع، مقطع متوسطه دوم و از نظر سابقه کار، دارای ۱۱ تا ۲۰ سال سابقه و با میانگین ۱۷/۷۷ سال سابقه کار هستند.

جدول ۶- توصیف وضعیت اقتصادی پاسخگویان

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد	شاخص‌های مهم آماری
وضعیت محل سکونت	مالک	۲۰۸	۵۷.۹	نما: مالک
	استیجاری و رهن	۱۲۲	۳۴.۰	
	سازمانی	۱۲	۳.۳	
	سایر	۱۷	۴.۷	
پایگاه اقتصادی (ذهنی)	پایین	۳۳	۹.۲	نما: متوسط
	متوسط رو به پایین	۱۰۷	۲۹.۸	میان: متوسط

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد	شاخص‌های مهم آماری
	متوسط	۱۷۲	۴۷.۹	
	متوسط رو به بالا	۴۴	۱۲.۳	
	بالا	۳	۰.۸	
هزینه‌های ماهیانه خانوار	خیلی کم	۱۷	۴.۷	نما: متوسط
	کم	۹۰	۲۵.۱	میانه: متوسط
	متوسط	۱۱۶	۳۲.۳	
	زیاد	۶۱	۱۷	
	خیلی زیاد	۷۵	۲۰.۹	
احساس فقر	خیلی کم	۱۵	۴.۲	نما: زیاد
	کم	۲۱	۵.۸	میانه: زیاد
	متوسط	۸۴	۲۳.۴	میانگین (در دامنه ۰ تا ۵): ۳.۴۳
	زیاد	۱۶۸	۴۶.۸	انحراف معیار: ۱.۰۰
	خیلی زیاد	۷۱	۱۹.۸	
رضایت از وضعیت اقتصادی کشور	اصلاً	۱۵۹	۴۴.۳	نما: اصلاً
	خیلی کم	۹۱	۲۵.۳	میانه: خیلی کم
	کم	۵۳	۱۴.۸	میانگین (در دامنه ۰ تا ۵): ۱.۱۴
	متوسط	۳۰	۸.۴	انحراف معیار: ۱.۳۹
	زیاد	۷	۱.۹	
	خیلی زیاد	۱۹	۵.۳	

جدول ۶ نشان می‌دهد:

- اکثریت پاسخگویان از نظر وضعیت محل سکونت، مالک و در مرتبه بعدی دارای خانه استیجاری هستند.
- اکثریت پاسخگویان از نظر پایگاه اقتصادی (ذهنی)، در طبقه متوسط و در مرتبه بعدی در طبقه متوسط رو به پایین قرار دارند.
- اکثریت پاسخگویان از نظر میزان هزینه ماهیانه خانوار، آن را به میزان متوسط و در مرتبه بعدی به میزان کم عنوان نموده‌اند.

- اکثریت پاسخگویان از نظر احساس فقر، در حد زیاد و در مرتبه بعدی در حد متوسط چنین احساسی دارند. میانگین میزان احساس فقر بالاتر از حد متوسط است.

- اکثریت پاسخگویان از نظر رضایت از وضعیت اقتصادی کشور، در حد اصلاً و در مرتبه بعدی در حد خیلی کم رضایت دارند. میانگین میزان رضایت آنها (۱/۱۴) در حد خیلی کمی است.

جدول ۷- توصیف وضعیت طرد اجتماعی و تبعیض اجتماعی پاسخگویان

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد	شاخص‌های مهم آماری
احساس طرد اجتماعی	خیلی کم	۳۱	۸.۶	نما: متوسط
	کم	۸۴	۲۳.۴	میانه: متوسط
	متوسط	۱۳۷	۳۸.۲	میانگین (در دامنه ۱ تا ۵): ۲.۹۷
	زیاد	۷۷	۲۱.۴	انحراف معیار: ۰.۸۳
	خیلی زیاد	۳۰	۸.۴	
احساس تبعیض اجتماعی	خیلی کم	۰	۰	نما: زیاد
	کم	۷	۱.۹	میانه: زیاد
	متوسط	۷۱	۱۹.۸	میانگین (در دامنه ۰ تا ۵): ۳.۸۹
	زیاد	۱۸۳	۵۱	انحراف معیار: ۰.۵۸
	خیلی زیاد	۹۸	۲۷.۳	

جدول ۷ نشان می‌دهد:

- اکثریت پاسخگویان از نظر احساس طرد اجتماعی، در حد متوسط و در مرتبه بعدی در حد کم چنین احساسی دارند. میانگین میزان احساس طرد آنها (۲/۹۷) در حد متوسط است.

- اکثریت پاسخگویان از نظر احساس تبعیض اجتماعی در حد زیاد و در مرتبه بعدی در حد خیلی زیاد چنین احساسی دارند. میانگین میزان احساس تبعیض آنها (۳/۸۹) در حد زیاد است.

یافته‌های تبیینی

فرضیه اول: رابطه ویژگی‌های زمینه‌ای با احساس طرد اجتماعی معلمان در زاهدان برای بررسی این روابط و همچنین روابط فرضیه‌های بعدی، در صورت اسمی بودن متغیرهای مستقل از آزمون خی دو و وی کرامر و در صورت رتبه‌ای بودن آنها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. برای اجتناب از حجیم شدن مطلب از ذکر جداول دوبعدی مربوطه خودداری شده است.

جدول ۸- رابطه ویژگی‌های زمینه‌ای با میزان احساس طرد اجتماعی معلمان

متغیرهای زمینه‌ای	خی دو	وی کرامر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی داری
جنسیت	۵۸.۴۵۳*	۰.۴۰۴	-	۰.۰۰۰
سن	-	-	-۰.۲۳۹	۰.۰۰۰
وضعیت تأهل	۸.۴۲۶	-	-	۰.۰۷۷
میزان تحصیلات	-	-	۰.۲۳۳	۰.۰۰۰
رشته تحصیلی	۱۹.۷۱۵	-	-	۰.۰۷۳
قومیت	۶۹.۷۶۰**	۰.۳۱۲	-	۰.۰۰۰
مذهب	۴۳.۸۶۱***	۰.۳۵۰	-	۰.۰۰۰

* احساس طرد اجتماعی بیشتر مردان نسبت به زنان. ** احساس طرد اجتماعی بیشتر بلوچ‌ها نسبت به غیر بلوچ‌ها. ***

احساس طرد اجتماعی بیشتر سنی‌ها نسبت به شیعه‌ها.

جدول ۸ نشان می‌دهد:

• جنسیت معلمان با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری دارد. به طوری که (بر مبنای جدول توافقی که به جهت اجتناب از افزایش حجم مقاله آورده نشده است)، معلمان مرد به صورت بسیار معناداری بیشتر از معلمان زن احساس طرد اجتماعی می‌کنند. این رابطه غیرمنتظره و ناهمخوان با چارچوب نظری، نیاز به بررسی دارد. چنین تفاوت معناداری از نظر متغیرهای مهم دیگری هم وجود دارد. به طوری که میزان احساس فقر و میزان احساس تبعیض اجتماعی مردان از زنان بیشتر و میزان رضایت آن‌ها از اوضاع

اقتصادی کشور کمتر است. شاید بتوان مسئولیت اصلی مردان در تأمین اقتصادی خانواده و به‌عنوان نان‌آور خانواده در یک محیط نسبتاً سنتی مثل زاهدان و همچنین اشتغال زنان و درآمد مستقل آنان را برای توجیه این امر استفاده کرد.

• سن معلمان با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری دارد و جهت رابطه معکوس می‌باشد؛ یعنی با افزایش سن معلمان، میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها کمتر می‌شود. به نظر می‌رسد چنین وضعیتی برای معلمان جوان‌تر تحت تأثیر سابقه کار کمتر و وضعیت اقتصادی نامناسب‌تر و غیر تثبیت‌تر آن‌ها باشد.

• میزان تحصیلات معلمان با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری دارد و جهت رابطه مستقیم می‌باشد؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلات معلمان، میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها بیشتر می‌شود. می‌توان چنین چیزی را به سن و سابقه کار و در نتیجه وضعیت اقتصادی نامناسب‌تر و انتظارات بیشتر معلمان تحصیل‌کرده مرتبط دانست.

• قومیت معلمان با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری دارد. به‌طوری‌که (بر مبنای جدول توافقی که به جهت اجتناب از افزایش حجم مقاله آورده نشده است)، معلمان بلوچ به‌صورت بسیار معناداری بیشتر از معلمان غیر بلوچ احساس طرد اجتماعی می‌کنند. چنین چیزی را می‌توان تحت تأثیر نابرابری‌های ساختاری و تبعیض‌های قومی و مذهبی موجود در جامعه و همپوشانی آن‌ها با شرایط نامناسب اقتصادی دانست.

• مذهب معلمان با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری دارد. به‌طوری‌که (بر مبنای جدول توافقی که به جهت اجتناب از افزایش حجم مقاله آورده نشده است)، معلمان اهل سنت به‌صورت بسیار معناداری بیشتر از معلمان اهل تشیع احساس طرد اجتماعی می‌کنند. چون اکثریت قریب به اتفاق اهل سنت بلوچ هستند، می‌توان توجیه فوق را برای این رابطه نیز استفاده نمود.

• وضعیت تأهل و رشته تحصیلی معلمان با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه معناداری ندارند.

فرضیه دوم: رابطه ویژگی‌های شغلی با احساس طرد اجتماعی معلمان در زاهدان

جدول ۹- رابطه ویژگی‌های شغلی با میزان احساس طرد اجتماعی معلمان

ویژگی‌های شغلی	خی دو	وی کرامر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی داری
وضعیت استخدامی	۱۹.۳۶۶*	۰.۲۳۲	-	۰.۰۰۱
مقطع تدریس	-	-	۰.۱۸۷	۰.۰۰۰
سابقه کار	-	-	-۰.۲۰۶	۰.۰۰۰

* احساس طرد اجتماعی بیشتر معلمان غیررسمی نسبت به معلمان رسمی.

جدول ۹ نشان می‌دهد:

- وضعیت استخدامی معلمان با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری دارد. به طوری که (بر مبنای جدول توافقی که به جهت اجتناب از افزایش حجم مقاله آورده نشده است)، معلمان غیررسمی (پیمانی و سایر) به صورت بسیار معناداری بیشتر از معلمان رسمی احساس طرد اجتماعی می‌کنند. به نظر می‌رسد سابقه کار پایین‌تر، ناامنی شغلی بیشتر و وضعیت اقتصادی نامناسب‌تر معلمان غیررسمی با این قضیه مرتبط باشد.
- مقطع تدریس معلمان با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری دارد و جهت رابطه مستقیم می‌باشد؛ یعنی با بالا رفتن مقطع تدریس معلمان (از ابتدایی تا متوسطه دوم)، میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها بیشتر می‌شود. با در نظر گرفتن وابستگی زیاد مقطع تدریس با میزان تحصیلات می‌توان از توجهات مربوط به میزان تحصیلات برای توجیه این وضعیت استفاده کرد.
- سابقه کار معلمان با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری دارد و جهت رابطه معکوس می‌باشد؛ یعنی با افزایش سابقه کار معلمان، میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها کمتر می‌شود. به نظر می‌رسد این امر از طریق بهبود و تثبیت وضعیت اقتصادی معلمان صورت می‌گیرد.

فرضیه سوم: رابطه متغیرهای وضعیت اقتصادی با احساس طرد اجتماعی معلمان

در زاهدان

جدول ۱۰- رابطه متغیرهای وضعیت اقتصادی با میزان احساس طرد اجتماعی معلمان

متغیرهای زمینه‌ای	خی دو	وی کرامر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی‌داری
وضعیت محل سکونت	۲۵.۵۷۰	۰.۱۸۹	-	۰.۰۰۱
پایگاه اقتصادی (ذهنی)	-	-	-۰.۴۵۳	۰.۰۰۰
هزینه‌های ماهیانه خانوار	-	-	۰.۲۹۶	۰.۰۰۰
احساس فقر	-	-	۰.۳۸۷	۰.۰۰۰
رضایت از وضعیت اقتصادی کشور	-	-	-۰.۳۱۹	۰.۰۰۰

* احساس طرد اجتماعی بیشتر معلمان مستأجر نسبت به سایر معلمان.

جدول ۱۰ نشان می‌دهد:

• وضعیت محل سکونت معلمان با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری دارد. به طوری که (بر مبنای جدول توافقی که به جهت اجتناب از افزایش حجم مقاله آورده نشده است)، معلمان مستأجر به صورت بسیار معناداری بیشتر از معلمان دارای منزل و سایر وضعیت‌های محل سکونت، احساس طرد اجتماعی می‌کنند. با توجه به تأثیر مستقیم وضعیت اقتصادی بر وضعیت محل سکونت، چنین رابطه‌ای طبق چارچوب نظری قابل انتظار است.

• بین پایگاه اقتصادی معلمان و میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری وجود دارد و جهت این رابطه معکوس می‌باشد. به طوری که با بالا رفتن پایگاه اقتصادی معلمان، میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها کمتر می‌شود. با توجه به چارچوب نظری چنین رابطه‌ای قابل انتظار است.

• بین هزینه‌های ماهیانه خانوار معلمان و میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری وجود دارد و جهت این رابطه مستقیم می‌باشد. به طوری که با افزایش

هزینه‌های ماهیانه خانوار معلمان، میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها بیشتر می‌شود. برای توجیه چنین رابطه‌ای، می‌بایست میزان هزینه‌های ماهیانه خانوار را نه به‌عنوان معیاری برای میزان سرمایه اقتصادی، بلکه معیاری برای احساس فقر در نظر گرفت.

● احساس فقر معلمان با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری دارد و جهت رابطه مستقیم می‌باشد؛ یعنی با بالا رفتن احساس فقر معلمان، میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها بیشتر می‌شود. با توجه به چارچوب نظری چنین رابطه‌ای قابل انتظار است.

● میزان رضایت معلمان از وضعیت اقتصادی کشور با میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری دارد و جهت رابطه معکوس می‌باشد؛ یعنی با افزایش رضایت معلمان از وضعیت اقتصادی کشور، میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها کمتر می‌شود. با توجه به چارچوب نظری چنین رابطه‌ای قابل انتظار است. بویژه اگر میزان رضایت از وضعیت اقتصادی را وابسته به میزان انتظارات اقتصادی و احساس فقر بدانیم.

فرضیه چهارم: رابطه احساس تبعیض اجتماعی با احساس طرد اجتماعی معلمان

در زاهدان

جدول ۱۱- رابطه احساس تبعیض اجتماعی با احساس طرد اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی‌داری
احساس تبعیض اجتماعی	احساس طرد اجتماعی	۰/۴۰۳	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون، می‌توان گفت بین احساس تبعیض اجتماعی معلمان و احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری وجود دارد و جهت رابطه مستقیم می‌باشد. به طوری که با افزایش احساس تبعیض اجتماعی معلمان، میزان احساس طرد اجتماعی آن‌ها بیشتر می‌شود. بر مبنای بررسی روابط متغیرهای قومیت و مذهب با میزان احساس تبعیض اجتماعی و بالاتر بودن بسیار معنی‌دار آن در معلمان بلوچ و اهل

سنت و وجود چنین رابطه‌ای بین قومیت و مذهب با احساس طرد اجتماعی، می‌توان تبعیض اجتماعی را عمدتاً تبعیض قومی و مذهبی قلمداد نمود.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

تحلیل رگرسیون چندمتغیره مورد استفاده روش هم‌زمان بود. در ابتدا همه متغیرهای دارای رابطه وارد مدل شدند. برای ورود متغیرهای مستقل اسمی و رتبه‌ای دارای رابطه با میزان احساس طرد اجتماعی به مدل رگرسیون، متغیرهای اسمی آنها تبدیل به متغیرهای دو مقوله‌ای با کدهای صفر و یک شده و متغیرهای رتبه‌ای به صورت نسبی در نظر گرفته شدند. با توجه به معنی داری نشدن برخی از روابط اولیه، متغیرهای مربوطه حذف و در نهایت مدل دارای متغیرهای معنی‌دار باقی‌مانده مورد تأیید نهایی قرار گرفت.

در جدول ۱۲ خلاصه رگرسیون چندمتغیره با آزمون‌ها و آماره‌های مرتبط نشان داده شده است.

جدول ۱۲- رگرسیون چندمتغیره اعتماد اجتماعی معلمان

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد نشده		T	ضرایب استاندارد شده	
	B	خطای معیار		بتا	استاندارد شده
ثابت	۱/۲۷۱	۰/۳۱۹	۳/۹۸۲	-	-
جنسیت	۰/۳۳۳	۰/۰۷۷	۴/۳۵۶	۰/۱۸۸	۰/۸۵۵
پایگاه اقتصادی	-۰/۲۸۱	۰/۰۴۶	-۶/۰۴۵	-۰/۲۸۴	۰/۷۲۰
میزان هزینه ماهیانه خانوار	۰/۱۴۹	۰/۰۳۰	۴/۹۶۳	۰/۲۱۱	۰/۸۸۰
احساس فقر	۰/۱۶۲	۰/۰۳۸	۴/۳۰۷	۰/۱۹۶	۰/۷۶۶
احساس تبعیض اجتماعی	۰/۳۴۲	۰/۰۶۰	۵/۷۳۸	۰/۲۴۰	۰/۹۰۹

ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{adj})	خطای استاندارد شده	آماره F	سطح معناداری (Sig)	آزمون دو ریبین واتسون ^۱
۰/۶۶۲	۰/۴۳۸	۰/۴۳۰	۰/۶۲۶۷۵	۵۵/۱۱۵	۰/۰۰۰	۰/۷۲۰

نتایج جدول ۱۲ حاکی از آن است که ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده که شامل ضرایب برآورد مدل رگرسیونی است این گونه به دست می‌آید:

$$۰/۷۰۵ = ۰/۳۴۲ + ۰/۱۶۲ + ۰/۱۴۹ + ۰/۲۸۱ - ۰/۳۳۳ = \text{عوامل مؤثر بر طرد اجتماعی معلمان}$$

حال در این مدل با توجه به ضرایب استاندارد شده (Beta) سهم نسبی هر مؤلفه مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته را نشان می‌دهد که به ترتیب بر اساس بیشترین بتا در این مدل پایگاه اقتصادی، احساس تبعیض اجتماعی، میزان هزینه ماهیانه خانوار، احساس فقر و جنسیت به بهترین وجه متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. می‌توان نتیجه گرفت که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در پایگاه اقتصادی، میزان طرد اجتماعی معلمان به میزان ۰/۲۸۴ انحراف استاندارد کاهش و به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در عوامل احساس تبعیض اجتماعی، میزان هزینه ماهیانه خانوار، احساس فقر و جنسیت میزان طرد اجتماعی معلمان به ترتیب به میزان ۰/۲۴۰، ۰/۲۱۱، ۰/۱۹۶، ۰/۱۸۸ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. مقدار t اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل را در مدل نشان می‌دهد با توجه به اینکه در این تحقیق مقدار t برای همه متغیرهای مستقل به ترتیب پایگاه اقتصادی، احساس تبعیض اجتماعی، میزان هزینه ماهیانه خانوار، جنسیت و احساس فقر در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ معنی‌دار است، نتیجه می‌گیریم که متغیرهای مورد نظر تأثیر معنی‌داری در تبیین متغیر وابسته دارند.

با توجه به نتایج ضرایب تولرانس متغیرهای مستقل که از مقدار (۱) کمتر و به آن نزدیک هستند و همچنین مقدار عامل تورم واریانس این متغیرها که بیشتر از ۱ و البته به آن نزدیک و از ۲ خیلی کمتر هستند، مشخص می‌شود که این متغیرها مشکل هم خطی ندارند.

1. Durbin Watson

همچنین با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین واتسون $0/720$ هست می‌توان گفت بین باقیمانده‌ها مقداری همبستگی مثبت وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی چندگانه ($R=0/662$) است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته همبستگی تقریباً قوی وجود دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/430$ است که بیانگر این است که نزدیک به ۴۳ درصد از کل تغییرات میزان احساس طرد اجتماعی معلمان در زاهدان متأثر از متغیرهای مستقل موجود در این مدل یعنی پایگاه اقتصادی، احساس تبعیض اجتماعی، میزان هزینه ماهیانه خانوار، احساس فقر و جنسیت است. مقدار آماره ($F=55/115$) که در سطح خطای $0/000$ معنی‌دار است، نشان می‌دهد که این مدل رگرسیونی پژوهش می‌تواند به صورت بسیار معناداری میزان احساس طرد اجتماعی معلمان در زاهدان را تبیین کند.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق در پی آن بوده است تا به روش پیمایش به بررسی مسئله طرد اجتماعی معلمان در زاهدان پردازد و در این راستا، ارتباط عوامل مربوط به وضعیت اقتصادی، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مرتبط با توجه به اکثریت نظریه‌های موجود، با احساس طرد اجتماعی معلمان را مورد بررسی قرار دهد.

نتایج این پژوهش نشان داد که احساس طرد اجتماعی در بین معلمان در حد متوسط است. از نظر وضعیت اقتصادی اکثریت معلمان صاحب‌خانه هستند، پایگاه اقتصادی و هزینه‌های ماهیانه خانوار متوسطی دارند، احساس فقر آنها زیاد و میزان رضایتشان از وضعیت اقتصادی کشور خیلی کم می‌باشد. از نظر ارتباط عوامل مربوط به وضعیت اقتصادی با احساس طرد اجتماعی معلمان در زاهدان، متغیرهای زمینه‌ای جنسیت، سن، میزان تحصیلات، وضعیت محل سکونت، قومیت و مذهب؛ متغیرهای وضعیت اقتصادی یعنی پایگاه اقتصادی، وضعیت محل سکونت، هزینه‌های ماهیانه خانوار، احساس فقر و میزان رضایت از وضعیت اقتصادی کشور؛ ویژگی‌های شغلی سابقه کار و وضعیت

استخدامی و در نهایت احساس تبعیض اجتماعی معلمان با احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه معناداری دارند. تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان می‌دهد از میان متغیرهای مستقل دارای رابطه معنی‌دار، مدل رگرسیونی شامل پایگاه اقتصادی، احساس تبعیض اجتماعی، میزان هزینه ماهیانه خانوار، احساس فقر و جنسیت می‌تواند به صورت بسیار معناداری میزان احساس طرد اجتماعی معلمان در زاهدان را تبیین کند.

از نظر میزان احساس طرد اجتماعی معلمان، نتیجه این تحقیق با نتیجه تحقیق آسکانی (۱۳۹۸) همخوانی دارد و نشان می‌دهد میزان احساس طرد اجتماعی معلمان با وضعیت کلی شهروندان در زاهدان از این نظر مشابه است. رابطه معنادار بین متغیرهای زمینه‌ای بویژه جنسیت، قومیت و مذهب با احساس طرد اجتماعی معلمان، دیدگاه گالابوزی (۲۰۰۲) را تأیید می‌کند که بر اساس آن، طرد اجتماعی با ناتوانی گروه‌ها یا افرادی خاص برای مشارکت کامل اجتماعی مرتبط است که به دلیل نابرابری‌های ساختاری، دسترسی آن‌ها به منابع ارزشمند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کاهش پیدا کرده است. این نابرابری‌ها در ارتباط با طبقه، نژاد، جنسیت، ناتوانی، مهاجرت، مذهب و قومیت ایجاد می‌شوند.

باوجودی که بر مبنای بیشتر نظریات و نیز تحقیقات قبلی انتظار می‌رود زنان بیشتر در معرض فقر و طرد اجتماعی باشند، اما در این تحقیق، احساس طرد معلمان مرد به صورت بسیار معناداری بیشتر از معلمان زن است. به نظر می‌رسد این امر بیشتر به مسئولیت اصلی مردان در تأمین اقتصادی خانواده و به عنوان نان‌آور خانواده در یک محیط نسبتاً سنتی مثل زاهدان و همچنین اشتغال زنان و درآمد مستقل آنان برگردد. اینکه با افزایش سن و نیز سابقه کار احساس طرد اجتماعی معلمان کاهش می‌یابد را می‌توان به بهبود وضعیت اقتصادی آنها بویژه وضعیت استخدامی و میزان درآمد آنها و البته چالش‌های بیشتر اقتصادی و منزلتی معلمان جوان در بحران‌های اقتصادی و اجتماعی موجود مربوط دانست. همچنین در همین راستا می‌توان رابطه معکوس میزان تحصیلات با احساس طرد اجتماعی را تبیین کرد.

افزایش میزان تحصیلات که عمدتاً مربوط به معلمان جوان است با ناکامی بیشتر در برآورده ساختن انتظارات در شرایط کنونی همراه است. در تأیید بیشتر نظریه‌ها (مارکس، وبر، پارکین، گالابوزی، سیلور، لویتاس و حتی سن) و همچنین در همخوانی با برخی تحقیقات همانند مطالعه احدیان و کسرای (۱۳۹۷) و آسکانی (۱۳۹۸) قومیت و مذهب با طرد اجتماعی رابطه معناداری دارند و معلمان بلوچ و اهل سنت احساس طرد اجتماعی بیشتری دارند. رابطه مستقیم و معنادار احساس تبعیض اجتماعی و احساس طرد اجتماعی را در همین چارچوب می‌توان توضیح داد.

بین پایگاه اقتصادی معلمان و احساس طرد اجتماعی آن‌ها رابطه بسیار معناداری وجود دارد و جهت این رابطه معکوس می‌باشد. همچنین روابط سایر متغیرهای وضعیت اقتصادی همانند وضعیت محل سکونت، هزینه‌های ماهیانه خانوار، احساس فقر و میزان رضایت از وضعیت اقتصادی کشور با احساس طرد اجتماعی معنادار است. این نتیجه اکثریت نظریات موجود بویژه نظریات گالابوزی، پارکین و سن را تأیید می‌کند و همچنین با بخش‌هایی از نتایج مطالعه جهانگیری و علمی (۱۳۹۴)، آسکانی (۱۳۹۸)، احدیان و کسرای (۱۳۹۷) و مهدیان و همکاران (۱۳۹۶) همخوانی دارد. علاوه بر متغیرهای وضعیت اقتصادی ذکرشده، سایر متغیرهایی نیز که با آنها هم در ارتباط هستند با احساس طرد اجتماعی رابطه معناداری دارند. از آن جمله می‌توان به سابقه کار و وضعیت استخدامی اشاره کرد.

بنابراین با توجه به نتایج این تحقیق و در تأیید تقریباً همه نظریه‌های مورد استفاده و همخوانی با بیشتر تحقیقات قبلی می‌توان گفت عوامل اقتصادی مهم‌ترین عوامل مرتبط با طرد اجتماعی هستند و بیش از سایر عوامل زمینه‌ساز طرد اجتماعی می‌باشند. به عبارت دقیق‌تر طرد اقتصادی خود کانال و زمینه اصلی برای ورود به سایر ابعاد طرد همانند طرد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد. از یک منظر دیگر می‌توان گفت بیش از هر چیزی در ارتباط با همین عوامل است که هم فقر درآمندی و هم فقر قابلیت‌مدنظر آمارتیا سن بروز می‌کنند و زمینه‌ساز ابعاد مختلف طرد می‌شوند.

از نتایج قابل توجه دیگر این تحقیق می‌توان به ارتباط تنگاتنگ محرومیت نسبی با طرد اجتماعی اشاره کرد. هرچند محرومیت نسبی در این تحقیق به‌طور مستقیم موردسنجش قرار نگرفته است، اما با توجه به اینکه علیرغم صاحب‌خانه بودن بیشتر معلمان و در حد متوسط بودن پایگاه اقتصادی و هزینه‌های خانوار آنان، اکثریت آنها احساس فقر زیادی دارند و از وضعیت اقتصادی کشور خیلی ناراضی هستند، چنین چیزی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

همچنین با توجه به رابطه مستقیم و معنادار هزینه‌های ماهیانه خانوار با احساس طرد اجتماعی، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میزان هزینه‌های خانوار پاسخگویان لزوماً متناظر و منعکس‌کننده میزان سرمایه اقتصادی آنها نیست و ضرورت دارد در جمع‌آوری داده‌ها به این امر مهم توجه شود.

بر مبنای نتایج این تحقیق بویژه نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری، پیشنهاد می‌شود سیاست‌ها و برنامه‌های جدی در ارتباط با ارتقای وضعیت معیشتی و اقتصادی معلمان متناسب با شرایط اقتصادی جامعه پیاده‌سازی شود. همین امر ضرورت هرچه بیشتر اجرای سریع‌تر قوانین و برنامه‌هایی مثل همانندسازی حقوق معلمان را نشان می‌دهد. همچنین نتایج این تحقیق بر برطرف نمودن هرگونه تبعیض اجتماعی و بویژه تبعیض‌های قومی و مذهبی در جامعه و بویژه آموزش و پرورش تأکید دارد و علاوه بر این پیشنهاد می‌کند برای بهبود وضعیت حقوق معلمان جوان، دارای تحصیلات عالی‌تر و نیز معلمان مرد برنامه‌ریزی‌های مناسب‌تر و اقدامات بیشتری صورت گیرد.

منابع

- آسکانی، عرفان. (۱۳۹۸)، بررسی میزان احساس طرد اجتماعی در بین شهروندان شهر زاهدان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی.
- ابراهیمی، مهدی. (۱۳۹۱)، «معرفی و مرور کتاب: طرد اجتماعی، علل و پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره سیزدهم، شماره ۳: ۱۷۵-۱۸۰.
- احدیان، صونا، و کسرائی، محمد سالار. (۱۳۹۷)، «سنجش احساس طرد اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های زنجان». *جامعه پژوهی فرهنگی*، دوره نهم، شماره ۱: ۱-۲۸.
- اعتمادی فر، سید مهدی، حسینی، سید حسن و ساوالانپور، الهام. (۱۳۹۹)، «بررسی جامعه‌شناختی کژکارکردهای سیاست‌های حمایتی با تأکید بر طرد اجتماعی». *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، دوره هفتم، شماره ۲۴: ۱۰۷-۱۵۷.
- جهانگیری، عزیزه و علمی، محمود. (۱۳۹۴)، «عوامل اجتماعی مرتبط با ارتقای منزلت اجتماعی معلمان مقطع متوسطه مشکین شهر از دیدگاه خود معلمان». *مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره هفتم، شماره ۲۸: ۷-۲۳.
- حمیدیان، اکرم، زاهدی، محمدجواد، ملکی، امیر و انصاری، ابراهیم. (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی و طرد اجتماعی گروه‌ها در کلان‌شهر اصفهان». *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، دوره چهارم، شماره ۴: ۱-۳۲.
- رون، سید امیر. (۱۳۹۱)، «در ضرورت ارتقای جایگاه اجتماعی معلمان». *رشد معلم*، اردیبهشت، شماره ۲۶۶.
- سبکتکین ریزی، قربانعلی و موسی زاده، ایوب. (۱۳۹۶)، «بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین کیفیت و طرد اجتماعی (مورد مطالعه: ساکنان منطقه ۱۸ شهر تهران)». *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، دوره ششم، شماره ۲۳: ۲۲۱-۲۵۳.
- غفاری، غلامرضا و تاج‌الدین، محمدباقر. (۱۳۸۴)، «شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره چهارم، شماره ۱۷: ۲۹-۵۲.
- کاشانی، مجید. (۱۳۹۴)، «طرد اجتماعی؛ رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت». *نقد کتاب علوم اجتماعی*، دوره ششم، شماره ۵: ۱۳۱-۱۵۳.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن. (۱۳۹۹)، *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- محمودی، وحید و صمیمی فر، قاسم. (۱۳۸۴)، «فقر قابلیت». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره پنجم، شماره ۱۷: ۹-۳۲.
- مهدیان، سمیه، حکیم زاده، رضوان، صفایی موحد، سعید و صالحی، کیوان. (۱۳۹۷)، «بازنمایی ادراک و تجربه زیسته معلمان از منزلت اجتماعی‌شان: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی». *فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش*، دوره پانزدهم، شماره ۱: ۱۹-۳۸.
- نوید ادهم، مهدی و شفیع‌زاده، حمید. (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر منزلت اجتماعی معلمان». *فصلنامه راهبری*، دوره بیست و سوم، شماره ۷۳: ۱۹۴-۱۷۵.
- نویدی، احد و برزگر، محمود. (۱۳۸۲)، «راه‌های ارتقای منزلت اجتماعی معلمان». *فصلنامه تعلیم و تربیت*، دوره نوزدهم، شماره ۷۴: ۵۴-۱۰۰.
- هاشمی، عبدالرسول، ازکیا، مصطفی و موسوی، سید یعقوب. (۱۴۰۰)، «تحلیل تجربه زیسته فقرای شهری از طرد اجتماعی از بازار کار مورد مطالعه؛ مناطق ۱۷، ۱۸ و ۱۹ شهر تهران». *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره سیزدهم، شماره ۱: ۴۹-۳۲.

- Abello, Annie, Rebecca Cassells, Anne Daly, Gabriela D'Souza, and Riyana Miranti. (2016). "Youth social exclusion in Australian communities: A new index". *Social Indicators Research*, 128(2), 635-660.
- Abrams, Dominic, Julie Christian, and David Gordon, eds. (2008). *Multidisciplinary handbook of social exclusion research*. John Wiley & Sons.
- Burchardt, Tania, Julian Le Grand, and David Piachaud. (2002). *Degrees of exclusion: developing a dynamic, multidimensional measure*. Oxford University Press.
- Galabuzi, Grace Edward. (2002). "Social inclusion as a determinant of health". *The life span conference*, Toronto, Canada.
- Ladebo, Olugbenga Jelil. (2005). "Effects of work-related attitudes on the intention to leave the profession: An examination of school teachers in Nigeria". *Educational Management Administration & Leadership*, 33(3), 355-369.
- Levitas, Ruth. (2006). "The concept and measurement of social exclusion". *Poverty and social exclusion in Britain*: 123-160.

- Morris, Kate, Marian Barnes, and Paul Mason. (2009). *Children, families and social exclusion: New approaches to prevention*. Policy Press.
- Mulvey, Kelly Lynn, Seçil Gönültaş, Greysi Irdam, Ryan G. Carlson, Christine DiStefano, and Matthew J. Irvin. (2021). "School and Teacher Factors That Promote Adolescents' Bystander Responses to Social Exclusion". *Frontiers in psychology*, 11, 581089.
- Paolini, Giulia. (2013). "Youth social exclusion and lessons from youth work". *Bruselas: EACEA/Comisión Europea. Recuperado de http://eacea.ec.europa.eu/youth/tools/documents/social_exclusion_and_youth_work*.
- Paudyal, Laxmi. (2018). Being a woman teacher in Nepal: experiences of social inclusion and exclusion. *Doctoral dissertation in Education*, Kathmandu University.
- Raufelder, Diana, and Stefan Kulakow. (2022). "The role of social belonging and exclusion at school and the teacher–student relationship for the development of learned helplessness in adolescents". *British Journal of Educational Psychology*, 92(1), 59-81.
- Silver, Hilary. (2007). *The process of social exclusion: the dynamics of an evolving concept*. Department of Sociology, Brown University, Providence, Rhode Island, USA.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی